



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۱/۱۶

رفعت حسینی

## به چی دلیل جای حافظ بهشت شعر پارسی باید باشد؟

یکی از انواع بیماری روانی در خاکزار افغانستان اینست:

برخی ها که ارزشهای (((مدنی))) را از دریچه خرافی می نگرند، شاعر مدح کننده ستمگر

را موجب و بنان گذار و ایجادگر ««مفاخر»» ادبی تلقی می کنند.

بنابر این وقتیکه لسان الغیب!!! حافظ شیرازی، آله سنت شده، مگر شل و پل شاه شجاع را

یچی کرد و لیسید:

:

جبین وچهرهء حافظ خدا جدا مکناد

ز خاک بارگه کبریای شاه شجاع

شخصی بنام ، آقای حمید اندیشه، دودفعه، بمن (رفعت حسینی) نگارنده، در باره این پچی کردن، چنین نبشته است:

« [Hamid Ravee Andisha](#) »

قدم دریغ مدار از جنازه حافظ

که گرچه غرق گناه است می رود به بهشت

حسینی گرانقدر اگر چه لسان الغیب غرق گناه مدیحه سرایی بود اما جای به بهشت ادبیات پارسی

دارد و نا انصافی است اگر نقش او را نا دیده گرفت.»

و

« [Hamid Ravee Andisha](#) »

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

حسینی فرهیخته عزیز، شاعران بزرگ ما انسان بودند نه فرشته که دور از اشتباه می بودند، اگر **اندک** زن ستیزی مولانا و یا بیدل و یا مدیحه سرایی حافظ و خلیلی و... را کنار بگذاریم، به نقش سترگ شان در ادبیات پارسی باید درود فرستاد.»

.

و

آقای حمید صلجو در مورد چنین دُر فشانده اند:

« وقتی جای بحث شعر و ادب میشود کلام جان هستی باده ناب انجمن جوهر غواصان فرهنگ به بحث جمال کشیده شود حافظ مانند سایر شعرای زبان فارسی فر فضایل ترجمان معرفت بود آیت های عشق و ساقی را رخسار گهر بار داد ما وقتی این قافله سالاران شعر و ادب را به بررسی مینشینیم نگاه به یک زاویه، اندیشمندانه نخواهد بود ان جفاست ما زمان، مکان و شرایط زندگی شاعران را با جوهر هستی گهر بار داشته های شان در قامت اشعار شان به بحث بگیریم و مانند محترم حسینی این خداوندگاران سخن را دست کم نگیریم هویت و نقش ادبی شانرا در پیچ و تاب پر خم و پیچ روزگار شان و غنا مندی شانرا با طبع ارسته دور از غنای هستی بی ارزش ندانیم »

//////

بنابراین وقتیکه مجیر الدین **شاعر آسمانی** شاه را با کریم ویژه فربه ساخت و پیشانی بر خاک مالید و نالید:

**شها تو شیر خدایی و من سگ در تو**

که بی گناه تر از گرگ یوسفم حقا

مجیرالدین

این شاعر سند ورود رایگان بجنّت مسلمانى پس از مرگ را با این بیت بدست آورد و شعر پارسی را بر مسند جایزه نوبل ادبیات نشانده است.

////

**و حالا من نادان نفهم تاکنون پس از ۵۵ سال خوانش و وقت عزیزم را ضایع کردن، در ۷۰ ساله**

**گی، بالاخره در دم مرگ، نفهمیدم که این حافظ، پس از نماز خواندن و قرآن خواندن در وقت**

**نشئه شراب، با مایه مالی ستمگران چی دسته گلی را بهمسرشرعی شماره دهم شعر**

**پارسی تقدیم نموده است؟.....**

کدام فخر ادبی شعری را ایجاد کرده است حافظ؟

در ادبیات اجتماعی و مبارزه با پیدادگری و برای برابری حافظ کاری کرده است؟

آیا اوزان عروضی را بوجود آورده اند؟

ترکیب های علم بدیع و بیان فخر و سبب مباحثات نیست. لازمهء کار شاعر است. بس و خلاص!

وبه چی دلیل جای حافظ بهشت شعر فارسی باید باید و باید و باید باشد؟

چرا؟ چرا؟ چرا؟ باید احمق بمیرم و بمیریم؟....

.....

زهی خر و خریت!

....